

از گوشه و کنار

صندلی کودک در خودروها اجباری می شود



سردار تقی مهری، رییس پلیس راهور ناجا، در دومین یادبود قربانیان سوانح ترافیکی درباره پوشش مردمی «با احتیاط می رانم» گفت: یکی از اقدامات فرهنگ ترافیک، پوشش های مردمی است که برای آگاه سازی و از بین بردن زمینه های پرخطر ترافیکی از آن استفاده کنیم. وی تاکید کرد: در تصادفات رانندگی یکی از قشرهایی که بیشترین صدمه را می بینند، کودکان هستند و این پوشش برای حمایت از کودکان است. او بیان این که ۸ درصد جان باختگان تصادفات رانندگی کودک هستند، تصریح کرد: با سایر دستگاه های مربوطه پی گیریم که صندلی کودک در خودروها اجباری شود و از خودروسازان خواسته ایم که جایی برای صندلی کودک در نظر بگیرند.



روند افزایشی طلاق و کاهش ازدواج ادامه دارد



در حالی که چندی پیش رئیس سازمان امور اجتماعی کشور از توقف رشد جهشی طلاق طی ۴ تا ۳ سال اخیر و کنترل آمار طلاق در کشور خبر داد، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران ضمن رد این موضوع گفت: نه تنها هیچ نشانه ای دال بر کنترل روند طلاق وجود ندارد، بلکه رشد ۶ درصدی در سال گذشته داشته است.

سید حسن موسوی چلک، بیان این که نرخ طلاق سال ۹۶ نسبت به ۹۵ روند افزایشی داشته است، گفت: اگر فراوانی طلاق را بررسی کنیم باز هم شاهد روند افزایشی آن هستیم. طلاق در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ بیش از ۶ درصد افزایش داشته و نرخ ازدواج نیز بین ۱۱ تا ۱۳ درصد کاهش را نشان می دهد. بنابراین نمی توانیم بگوییم روند رشد طلاق را کنترل کرده ایم، زمانی می توانیم بگوییم روند رشد طلاق را کنترل کرده ایم که این وضعیت رانداشته باشیم.

وی افزود: همیشه باید از دواج و طلاق را باهم ببینیم. وقتی در جامعه ای تا ۱۴ درصد ازدواج کاهش می یابد خود این یک پیام دارد و افزایش طلاق هم یک معنی دیگر دارد. در هیچ کدام وضع مابهر نشده است.



پلیس ملزم به استفاده از فناوری های نوین است



سردار محمد شرفی، بیان این که ارائه خدمات آسان، تکریم مردم، کاهش زمان رسیدگی به پرونده ها و... از جمله تاکیدات رئیس پلیس کشور است، افزود: امروزه دیگر با افزایش جمعیت شهرها نمی توان به شکل سنتی اقدام به ارائه خدمات به شهروندان کرد و متأسفانه بعضاً این شیوه می تواند سبب نارضایتی شهروندان نیز بشود.

رئیس پلیس پیشگیری ناجا با اشاره به بندها و مواد قانونی که پلیس را ملزم به استفاده خدمات و تجهیزات نوین می کند، تصریح کرد: در همین راستا نیز راهی نداریم جز این که از فناوری ها و تجهیزات روز بهره مند شویم. شرفی با اشاره به فناوری ارسال مرجموهای قضایی به شکل الکترونیکی اظهار کرد: سالانه حدود شش میلیون پرونده در کلاتری ها تشکیل می شود. این پرونده ها حدود دو میلیون ساعت زمان نیاز دارد تا منتقل شود. ۷۰۰۰ نفر از نیروی انسانی ما مسئول این پرونده ها هستند و علاوه بر آن طبق برآوردهای ما بیش از دو میلیارد تومان هزینه سوخت و دو میلیون تومان هزینه استهلاک خودروهاست.

«داف» اگر چه به انحراف مختلف و در پشت سر، از سوی جامعه مردانه همواره مورد تمسخر و تحقیر واقع می شود، اما در مواجهه رودرو، همان مردان، همین داف ها را برای معاشرت و گاه برای همسری، ترجیح می دهند

برمی خوریم که تصور می کنند هنگامی که زیباتر هستند و بالوازم آرایش خودشان را زیباتر می کنند، کارشان در جامعه آسان تر راه می افتد. در واقع لوازم آرایشی نوعی کارکرد تسهیل سازی در روابط اجتماعی دارد و به همین علت زیاد مصرف می شود. کمبود اعتماد به نفس در بین برخی زنان، رقابت دختران برای پیدا کردن همسر، آمار بالای افسردگی و اختلالات روانی، تأثیر تبلیغات رسانه ای و الگوسازی شرکت های سرمایه دار غربی هم در این زمینه تأثیر گذاشته و باعث افراط و تفریط در آرایش دختران و زنان شده و حتی سن آرایش دختران را به زیر ۱۵ سال پایین آورده است.

برخی از افرادی که بیش از حد از لوازم آرایش استفاده می کنند ممکن است دچار نوعی بیماری هم باشند. اما نمی توانیم در مورد اکثریت زنان، این طور قضاوت کنیم و نباید تصور کنیم که با نوعی بحران هویت و کمبود اعتماد به نفس در بین زنان مواجه هستیم. براتی اشاره می کند که زنان ایرانی، معمولاً خود را با زنان غربی مقایسه می کنند و از جذابیت های جسمانی خود در مقایسه با کشورهای غربی ناراضی اند. این عدم رضایت از جنبه های زیبایی شناختی جسمانی (چهره) باعث ایجاد نوعی ناهماهنگی، اضطراب و تحت الشعاع قرار دادن مسایل هویتی فرد می شود. او مدام از خودش می پرسد: اساساً آیا من آدم زیبایی هستم یا نیستم؟ این عدم رضایت و این تعارض که آیا چهره ای که من از خودم در جامعه نشان می دهم مورد قبول همگان هست یا نیست، مشکل ساز شده است.

شاید این عدم مقبولیت یک امر تخیلی و یا ناشی از ادراک فرد باشد که به دنبال کسب مقبولیت اجتماعی برای خود در جامعه برمی آید و برای کسب آن اقدام به آرایش چهره خود می کند، در حالی که شاید اگر روش ها و فرصت های بیشتری در جامعه برای کسب مقبولیت، به ویژه برای زنان، وجود وجود داشته باشد زنان تا این حد به دنبال این نباشند که از لحاظ زیبایی بخواهند در پی محبوبیت و مقبول واقع شدن باشند.

می کنند و مورد توجه قرار می گیرند. «داف» اگر چه به انحاء مختلف و در پشت سر، از سوی جامعه مردانه همواره مورد تمسخر و تحقیر واقع می شود، اما در مواجهه رودرو، همان مردان، همین داف ها را برای معاشرت و گاه برای همسری، ترجیح می دهند. پسند جامعه ما، از نظر فرهنگی، ترجیحی به شدت «بدن» گراییه است و این موضوع حتی رفته رفته در میان مردان در حال شیوع است. در واقع اگر زمانی تنها «نگاه خیره مردانه» به عنوان یک نرم در جامعه پذیرفته شده بود، می رویم که با «نگاه خیره زنانه» هم مواجه شویم! جامعه شناسان در مورد افزایش استفاده از لوازم آرایشی در میان جوانان ایرانی معتقدند که در خانواده، محیط آموزشی یا تعاملات اجتماعی نیاز مورد توجه قرار گرفتن، باعث شده جوانان از لوازم آرایش استفاده کنند و تأکیدی می کنند که برای جبران این احساس کاستی و نیز از تقای شخصیت و رفتارهای اجتماعی، نگرش ها و پیش نیازهایی لازم است که باید تأمین شود؛ باید نوع نگاه به دختران از دوران مهد کودک تا دانشگاه تغییر کند و آن ها بیشتر در فعالیت های اجتماعی و آموزشی مشارکت داده شوند و مسئولیت بیشتری به آن ها واگذار شود. روان شناسان از آرایش به عنوان یکی از نیازهای روان شناختی افراد برای جذاب بودن یاد می کنند و معتقدند از آن جاکه جذابیت جسمانی یکی از عوامل تأثیرگذار در دوستی ها، ارتباطات بین مردم و حتی ازدواج است، این مساله به عنوان یک ضرورت در زندگی شخصی و اجتماعی به شمار می رود. پس افراد تلاش می کنند بر این جذابیت بیفزایند و برای آن هر هزینه ای می پردازند.

رابطه بدن و هویت

بدن در دوران جدید اغلب به عنوان پدیده ای در نظر گرفته می شود که به منظور بیان هویت افراد شکل می گیرد و آرایش و پرونده می شود. کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به وسیله آن روایت معینی از هویت شخصی اش را محفوظ می دارد و در عین حال خودنیز به طرز ی کم و بیش تأثرت از و رای همین روایت در معرض تماشای دیگران قرار می گیرد.

مدیریت بدن رابطه معنا داری با متغیرهایی فرهنگی دارد، متغیرهایی چون جنس، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دیانت و خانواده. دکتر فرید براتی سسده، روان شناس اجتماعی، چنین ادامه می دهد: به نظر من برای فهم بهتر این موضوع باید بحث را از سطح روان شناسی بالاتر ببریم و در سطح روان شناسی اجتماعی این موضوع را کند و کاو و بررسی کنیم، در این سطح به زنان

آرایش کردن، فی نفسه نه مشکلی دارد و نه عیب و ایرادی محسوب می شود. خود آرای از ازل و در میان تمام ملت ها و اقوام وجود داشته است. خود ما ماجرای «هفت قلم آرایش» را در فولکلور مان داریم

مورد بدن و موزنان هستند و الگوهای ایده ای که به زنان و دختران ارائه می شود، آنان را ناگزیر از استفاده از رنگ و لعاب و جراحی های مختلف می کند. در میان استفاده کنندگان لوازم آرایش و نیز انجام جراحی های زیبایی، همه تقاضای جامعه مردانه، یا چشم و نوا استفاده از لوازم آرایش نرفته اند و تا همین چند سال پیش هم، نه فقط آرایش که دست زدن به ترکیب طبیعی صورت برای دختران ما، نوعی تابو و هنجار شکنی بود.

اما داستان امروز فرق می کند. امروز هم زنان و هم دختران، در استفاده از لوازم آرایش، آن هم در حد افراط، گوی سبقت را از هم روده اند. این شاید از سویی برمی گردد باز به همان تقاضای جامعه مردانه، یا چشم و نوا چشمی زنان بایکدیگر، یا خودنمایی یا نارضایتی از «بدن» که چرا که رسانه های مختلف مدام در حال هنجار سازی در

تا وارد شعر و ادبیات عاشقانه شود، این زن، البته آن زنی نیست که در خانه به رقص و وقتق امور خانه و خانواده می پردازد، بلکه جمیله ای است که مدام در حال دلبری کردن است و البته دست نایافتنی.

اما همین فرم ادبیات مردانه که در ذات خود نوعی «تقاضا» را نهفته است، باعث شده زن شرقی مدام دغدغه «چگونه دیده» شدن داشته باشد و مدام برسد از این که نتواند در نقش و چهره آن زن اثیری، نمایان شود. شاید به همین دلیل است که زنان ما از قدیم، دم و دستگاه هفت قلم آرایش شان همیشه به راه بوده است و هست. اما البته، در آن روزگاران، دختران به عنوان موجوداتی نمایانده معصومیت بی بدیل، هرگز به سمت استفاده از لوازم آرایش نرفته اند و تا

همین چند سال پیش هم، نه فقط آرایش که دست زدن به ترکیب طبیعی صورت برای دختران ما، نوعی تابو و هنجار شکنی بود.

اما داستان امروز فرق می کند. امروز هم زنان و هم دختران، در استفاده از لوازم آرایش، آن هم در حد افراط، گوی سبقت را از هم روده اند. این شاید از سویی برمی گردد باز به همان تقاضای جامعه مردانه، یا چشم و نوا چشمی زنان بایکدیگر، یا خودنمایی یا نارضایتی از «بدن» که چرا که رسانه های مختلف مدام در حال هنجار سازی در

کار «شبهانه» دارند، «پر رنگ» آرایش می کنند.

البته ما هم زنانی داریم که با اعتماد به نفس بسیار، بیش از آن که توجهی به زیباتر کردن خود داشته باشند، به زیبایی های طبیعی خود بسنده می کنند. اما بیایید قبول کنیم که میزان جراحی های زیبایی در ایران و نیز استفاده از لوازم آرایش، بسیار زیاد است. ایران، دومین وارد و مصرف کننده لوازم آرایش در خاور میانه و هفتمین در جهان است!

آرایش کردن، فی نفسه نه مشکلی دارد و نه عیب و ایرادی محسوب می شود. خود آرای از ازل و در میان تمام ملت ها و اقوام وجود داشته است. خود ما ماجرای «هفت قلم آرایش» را در فولکلور مان داریم.

تقاضا و قضاوت

این هم یک داستان ازلی و احتمالا ابدی است که زنان، همواره از روی ظاهر و صورت و بدن شان، قضاوت شده اند؛ مورد پسند قرار گرفته اند یا طرد شده اند. در تمام ادبیات ما (اگر به هنرهای دیگر اشاره نمی کنیم به دلیل این است نقاشی یا پیکر تراشی و مجسمه سازی در ایران، سابقه چندانی طولانی و تاریخی ندارند) از زلف و ابرو و چشم و قد محبوب یاد شده است، زن، به عنوان موجودی خواستنی، باید و اوجد تمام ویژگی های یک موجود «اثیری» و «پری وار» را داشته باشد



آذر فخری، روزنامه نگار

چند روز پیش، یکی از دوستان از یک سفر یک ماهه به فرانسه برگشت. همان شب رسیدنش، برایش لطیفه ای فرستادم و توضیح دادم: برای این که عمیقاً احساس کنی به وطن برگشته ای!

در جواب بر ایم نوشت که در همان لحظه ورود به فرودگاه، «عمیقاً» احساس کردم که به وطن برگشته ام. پرسیدم: چه طور؟ گفت: با دیدن آرایش «پر رنگ» زنان ایرانی!

تعبیر «پر رنگ» در مورد آرایش زنانه، برایم تازگی داشت؛ از آن جهت که ما، معمولاً از کلمه «غلیظ» در مورد آرایش زنانه استفاده می کنیم. این پر رنگ بودن آرایش زنان هم وطن، طبعاً، من را هم مثل دوستم به فکر فرو برد. او که در این یک ماه، به چندین کشور اروپایی سفر کرده بود، تعریف کرد که تقریباً هیچ زن معمولی اروپایی را ندیده است که در خیابان یا در محل کار یا در دانشگاه و حتی در مهمانی ها، مثل زنان ایرانی آرایش کنند و این، برایش خوشایند بود؛ این که آن زنان، بی توجه به جسمانیت و بدون تلاش برای جذابیت، به کار و زندگی خود مشغول بودند. البته اشاره کرد که در این کشورها، معمولاً زنان خاص که

یادداشت

نگذارید ما هم به آن جا برسیم

آسیه و بیسی

برای ما «غرب» همواره منبع نوآوری های جسارت آمیز بوده است؛ جسارت هایی که در تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی، و نیز در فن آوری اتفاق می افتد. البته، تمام این تغییرات، وقتی در «غرب» رخ می دهد، شکل معضل یا جامعه به خود نمی گیرد؛ چون اساساً حاصل یک روند و رویکرد بطنی است که در بسستر فرهنگ جامعه اتفاق می افتد و با بروزش، جامعه دچار سردرگمی و حتی فروپاشی، از آن نوع که ما گرفتارش می شویم، نمی شود.

شاید ظاهر آن چه در غرب و نحوه زیست فردی و جمعی اتفاق می افتد، برای ما عجیب و حتی پریشان کننده باشد، اما آن ها با توجه به کنترل های پژوهشی که روی کوچک ترین

مسائل دارند، می دانند که در نهایت هر مساله را چگونه مدیریت کنند؛ یعنی در بستر اجتماعی آنان و روند باز تولید فرهنگی، «آینده پژوهی» نقش مهم و اساسی دارد. اما آن چه می خواهیم این جادرباره آن صحبت کنیم؛ مساله «وصلت با خود» است. پدیده ای که مدتی است در غرب آغاز شده، در «وصلت با خود» فرد به شیوه ای رسمی، به جامعه و اطرافیان خود اعلام می کند که می خواهد تنها زندگی کند؛ بدون هیچ رابطه عاطفی، بدون هیچ ازدواج و هیچ فرزندآوری.

«وصلت با خود»، یک تغییر در رویکرد جدید و تغییر در تعریف «عشق» است. فرد در این وصلت، با خود، رابطه ای رمانتیک آغاز می کند و خود را به شکلی کاذب، درگیر هیجانات عشقی می کند. برای آموختن روش های وارد

شدن به رابطه با «خود»، مراکزی هستند که به فرد، آموزش و تمرین می دهند و او برای رسیدن به احساس عشق به خود، مراقبه هایی انجام می دهد. او با خود به ماه عسل می رود، برای خود هدیه می خرد، برای خودش، میز شام شاعرانه ای می چیند با شمع و بساطی از این دست!

در این فرایند، فرد هر چه بیشتر به درون خود فرو می رود و منزوی تر می شود و کم کم شروع به از دست دادن قابلیت های اجتماعی خود می کند. این روش، اگر چه در ظاهر، تأکید می کند که انسان، به هیچ رابطه ای در آن بیرون نیاز ندارد، اما همین رفتار، دقیقاً بر یک احساس «فقدان» تأکید دارد؛ زیرا اگر احساس «فقدان» نبود، فرد هرگز به این روش روی نمی آورد. «وصلت با خود» نشان دهنده شکست های عاطفی و ارتباطی بسیار، و نوعی سرخوردگی در بیرون و در جامعه است. این شکست ها و سرخوردگی هاست که فرد را به درون و به سوی عشق ورزیدن به خود، می کشاند. زیرا خودش را که نمی تواند ترک کند. از خودش که نمی تواند بگذرد، پس «خود» را جایگزین تمام انسان ها و روابط دیگر می کند و

شروع می کند به قدم زدن با خود و خریدن هدیه ای «با احترام به خود». این که چرا و چگونه انسان غربی، به این جا رسیده، برای خودش داستان طول و جدایی دارد. اما مساله مهم این است که این روزها، در فضاهای مجازی و غیر مجازی و از سوی برخی روان شناسان، چنین رویکردی، به انسان ایرانی، تجویز می شود: برای خودت هدیه ای بخر و پست کن، آن وقت ببین قدم بزنی و بعد بر یک قهوه بخور و ببین که تنهایی چه قدر می چسبد، با خودت یکی شو، خودت را بپذیر. این «خود» به تو آسیب نمی زند.

برای انسان ایرانی که تا سال های سسال در خانواده های گسترده زندگی کرده و هنوز هم در گیر مناسبات فامیلی است، چنین توصیه هایی بیش از آن که در مان کننده باشد، آسیب زننده است و فرد دچار نوعی خودشیفتگی و انزوای درآورد می کند. چنین فردی در جامعه ما به زودی طرد می شود. زیرا پذیرندگی جامعه ما نسبت به چنین تغییرات بی بنیادی، به شدت سخت و زمان بر است.